

رجعت در آیات قرآن

۳ مرداد/رسالت

حمید محمدی

رجعت یا بازگشت دوباره برخی از مردگان از جمله عقاید و باورهای شیعی است که به تصریح علامه مجلسی علما بر آن اجماع دارند. جمعی از بهترین خوبان بنی آدم (یعنی ائمه معصومین علیهم السلام) و بدترین ایشان (دشمنان ائمه معصومین علیهم السلام) بناست پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوباره به زمین برگردند و در جنگی نمادین برای همیشه سپاه خیر بر سپاه شر پیروز شده و آن را برای ابد مضمحل کنند. برخی از آیات قرآن تنها امکان رجعت را به اثبات می‌رسانند و برخی دیگر هم به صراحت از رجعت سخن می‌گویند که در اینجا برخی از این آیات را بررسی می‌کنیم.

. و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون.

|روزی که از هر ملتی فوجی - از آنان که آیات ما را تکذیب می‌کردند - گرد می‌آوریم و آنان را به صف برانند.

این آیه تصریح می‌کند که گروههایی از ستمگران برانگیخته می‌شوند و نه همه آنها؛ حال آنکه توصیف قیامت چنین است:

و یوم نسیر الجبال و تری الارض بارزه و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا و عرضوا علی ربک صفا لقد جئتمونا کما خلقناکم اول مره بل زعمتم ان لن نجعل لکم موعدا.

روزی که کوهها را به راه می‌اندازیم و زمین را بینی که هر چه در اندرون دارد بیرون افکنده است و همه را برای حساب گردمی‌آوریم و یک تن از ایشان را رها نمی‌کنیم. همه در یک صف به پروردگارت عرضه می‌شوند. اکنون نزد ما آمدید همچنان که نخستین بار شما را بیافریدیم. آیا می‌پنداشتید که هرگز برایتان وعده‌گاهی قرار نخواهیم داد؟
و در آیه دیگر می‌خوانیم:

و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السماوات و من فی الارض الا ما شاء ربک و کل اتوه داخرین.

|روزی که در صور دمیده می‌شود و همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند - مگر آن که خدا بخواهد - بترسند و همه خوار و ذلیل به سوی او روان شوند.

علامه طبرسی در ذیل آیه یاد شده (یوم نحشر من کل امه...) می‌گوید:

«مفن» در اینجا افاده تبعیض می‌کند و بنابراین دلالت بر این دارد که در روز مورد اشاره آیه، تنها برخی از مردم محشور می‌شوند و این با صفت روز قیامت که خداوند در مورد آن می‌گوید: «آنها را محشور می‌کنیم و هیچکس از آنها را رها نمی‌کنیم» سازگاری ندارد. روایات فراوانی از امامان اهل بیت(ع) دلالت بر این دارد که خداوند تعالی به هنگام ظهور مهدی(ع) گروهی از دوستان و شیعیان آن حضرت را که پیش از این از دنیا رفته بودند به دنیا برمی‌گرداند تا به پاداش یاری و کمک به او برسند و با ظهور دولتشان شادمان شوند. همچنین گروهی از دشمنان او را به دنیا برمی‌گرداند تا از آنها انتقام گیرد و به عذابی که مستحق آن هستند (کشته شدن به دست شیعیان و خواری و سرافکنندگی به سبب مشاهده قدرت و شوکت امام مهدی(ع)) برسند.
ایشان در ادامه می‌نویسد:

اما برخی از امامیه از آنجا که گمان می‌کردند رجعت با تکلیف منافات دارد، روایات وارد شده در این زمینه را تاویل کرده و گفته‌اند. مراد از آنها بازگشت دولت |حق| و امر و نهی است نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان. اما این گونه نیست؛ چرا که رجعت از کسی سلب اختیار نمی‌کند و چنین نیست که افراد را به انجام واجبات و ترک محرمات مجبور سازد و همان‌طور که با ظهور معجزات بزرگ از قبیل شکافته شدن دریا و ازدها شدن عصا و مانند اینها تکلیف پابرجا می‌ماند با وقوع رجعت هم تکلیف باقی می‌ماند.

وانگهی رجعت تنها با اخبار ثابت نمی‌شود تا قابل تاویل باشند، بلکه اجماع شیعه امامیه بر آن است و اخبار هم موید اجماع است.

و در پایان هم می‌فرماید:

۱۵۶۸

کسانی هم که این آیه را مربوط به قیامت می‌دانند می‌گویند: مراد از «فوج» گروهی از روسا و پیشوایان کافران هستند که برانگیخته و گردآوری می‌شوند تا حجت بر آنان تمام شود.

فخر رازی می‌گوید:

این آیه مربوط به اموری است که پس از قیامت اتفاق می‌افتد.

آلوسی هم می‌گوید:

مراد از این حشر که نسبت به عده‌ای جدای از دیگران انجام می‌شود حشر مجددی است که برای سرزنش و عقوبت کردن آنها انجام می‌شود و پس از حشر اکبری است که ضمن آن همگان محسور می‌شوند. ولی با توجه به سیاق آیات می‌توان گفت حشر اصغر پیش از حشر اکبر اتفاق می‌افتد. در ذیل همین آیه درباره قیامت چنین آمده است:

و یوم ینفخ فی الصور ففرع من فی السماوات و من فی الارض.

روزی که در صور دمیده شود و همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند - مگر آن که خدا بخواهد - بترسند و همه خوار و

ذلیل به سوی او روان شوند.]

اگر ترتیب نزول آیه در آن رعایت شده باشد، به طور طبیعی می‌بایست حادثه رجعت دسته‌ها پیش از نفخ صور انجام شود.

قالوا ربنا امتتنا اثنتین و احييتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل.

می‌گویند: ای پروردگار ما، ما را دوباره میرانیدی و دوباره زنده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده‌ایم. آیا بیرون شدن را راهی هست؟]

در این آیه از دو بار میراندن و زنده‌ساختن سخن رفته است. که هر میراندن حیات سابقی را می‌رساند. همانگونه که دو بار زنده نمودن، مرگ پیشین را حکایت دارد. به اعتقاد امامیه، میراندن نخست پس از حیات دنیوی و مرگ دوم پس از حیات در رجعت است. چنانکه زنده ساختن نخست در رجعت و زنده ساختن دوم در روز واپسین است.

برخی میراندن اول را همان حالت نطفه بودن؛ میراندن دوم را مرگ پس از حیات دنیوی و حیات دوم را حیات اخروی دانسته‌اند.

برخی دیگر حیات دوم را در قبر دانسته‌اند که انسانها برای پرسش زنده می‌شوند.

دسته اول برای اثبات مدعای خود به این آیه استناد کرده‌اند:

کیف تکفرون بالله و کتتم امواتا فاحیاکم...

چگونه خدا را انکار می‌کنید، در حالی که مرده بودید و او شما را زنده ساخت، باز می‌میراند و زنده می‌کند و آنگاه به نزد او

بازگردانده می‌شوید؟

مقصود ایشان در اینجا حالت پیش از دمیدن روح است اما این استدلال درست نیست؛ چرا که بر حالت پیش از دمیده شدن روح

وصف «موات» (مرده) صدق می‌کند نه «امامه» (میراندن). به بیان دیگر وصف موات با هرگونه حالت نبود حیات مناسبت دارد ولی

«امامه» در صورتی صدق می‌کند که از موجود سلب حیات گردد. به علاوه با این فرض می‌بایست سه موت داشته باشیم: پیش از

دمیدن روح، پس از حیات دنیوی، پیش از حیات برزخی.

مضاف بر این که مومنان در بهشت، تنها صحبت از یک مرگ می‌کنند:

اقما نحن بمیتین الا موتنا الاولى

اما جز مرگ اول دیگر نخواهیم مرد.]

. و تحسبهم ایقاظا و هم رقود... و کذلک بعثناهم لیتساءلوا بینهم...

می‌پنداشتی که بیدارند حال آنکه در خواب بودند... همچنین بیدارشان کردیم تا با یکدیگر گفت و شنود کنند.

از جمله دلایل صحت و امکان رجعت زنده شدن اصحاب کهف است که در آیه یاد شده بدان اشاره شده است.

او کالذی مر علی قریه و هی خاویه علی عروشها

۱۰۴۹

قال انى يحيى هذه الله بعد موتها فاماته الله مائه عام ثم بعته قال كم لبثت قال لبثت يوما او بعض يوم قال بل لبثت مائه عام فانظر الى طعامك و شرابك لم يمتسئ وانظر الى حمارك و لنجعلك آيه للناس وانظر الى العظام كيف ننشزها ثم نكسوها لحما فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شىء قدير.

ایا همانند کسی که از کنار روستایی عبور کرد که سقفهای |بناهای| آن فرو ریخته بود |ویران شده بود|. او مردمش مرده و استخوانهایشان پوسیده و پراکنده شده بود، به خود گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگشان زنده می کند؟! به دنبال این حرف خداوند او را صد سال میراند و سپس او را مجددا زنده کرد و او را خطاب کرد: چقدر درنگ کردی |و خوابیدی|؟ گفت یک روز یا بخشی از یک روز. ندا آمد که نه، تو صد سال درنگ کرده ای. به خوردنیها و آشامیدنیهای همراهت نگاه کن هیچ تغییری نکرده اند. ولی الاغت را بنگر که چگونه |بدنش| پوسیده و متلاشی شده است. اینها همه برای آن است که تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم. حال به استخوانهای متلاشی شده الاغت نگاه کن که چگونه آنها را کنار هم می آوریم. او هم هنگامی که این حقایق برایش روشن شد گفت: به یقین می دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست |.

این داستان مربوط به حضرت «عزیز» یکی از انبیای بنی اسرائیل است.

.الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل على الناس و لكن اكثر الناس لا يشكرون.

|آیا ندیده ای (ندانسته ای) گروهی متشکل از هزاران نفر از ترس مرگ از دیارشان خارج شدند و خداوند به آنها گفت: بمیرید |آنها هم مردند| پس از آن ایشان را زنده کرد. حقیقتا خداوند نسبت به بیشتر مردم فضل و بخشش دارد در حالی که اکثر ایشان شکرگذار نیستند |.

بنا بر نقل هفتاد هزار خانه وار بودند که از ترس مرگ، بیماری طاعون را بهانه کرده و در جهاد شرکت نجستند و از خانه هایشان بیرون آمدند که ناگهان همگی مردند و پس از مدتی به واسطه دعای «حزقیل» نبی، سومین وصی حضرت موسی (ع) زنده شدند در قرآن کریم هم این جریان چنین بیان شده است:

و اذ قلتم يا موسى لن نومن لك حتى نرى الله جهره فاخذتكم الصاعقه و انتم تنظرون ثم بعناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون. |هنگامی که گفتید: ای موسی تا خداوند را به وضوح نبینیم به تو ایمان نمی آوریم و در حالی که خود شاهد بودید دچار صاعقه شدید و |

|مردید سپس شما را پس از مرگتان دوباره برانگیختیم شاید که سپاسگزار باشید |.

حضرت موسی (ع) هفتاد نفر از قوم خویش را برگزید و با خود به کوه طور برد؛ در طول مسیر آنها از او درخواست رویت خدا را کردند؛ در این هنگام آنها گرفتار صاعقه شدند و از دنیا رفتند، اما با درخواست و وساطت حضرت موسی (ع) آنها مجددا زنده شدند تا شاکر خداوند باشند.

. و اذا قتلتم نفسا فاداراتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى و ويريكم آياته لعلكم تعقلون.

و هنگامی که یکی را کشتید و گناه کشتن را به گردن هم می انداختید. خداوند آنچه را که کتمان می کردید مشخص کرد و گفتیم که بخشی از آن |گاو| را به او بزیند |تا زنده شده و گواهی دهد| اینگونه خداوند مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد شاید که تعقل کنید.

کشته ای در میان بنی اسرائیل یافت شد که معلوم نبود چه کسی او را کشته است. هر کس گناه آن را به گردن دیگری می انداخت. وحی شد که گاوی را کشته و بیخ دمش را به آن مرده بزنند تا زنده شود و قاتل خویش را رسوا سازد. آیه یاد شده به این موضوع اشاره می کند.

. ان من اهل الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته و يوم القيامة يكون عليهم شهيدا.

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش (عیسی مسیح) به او ایمان آورد و عیسی در روز قیامت بر ایمانشان

گواهی خواهد داد.

از جمله دلایل صحت و امکان رجعت و بازگشت به این جهان پیش از قیامت، بازگشتن حضرت مسیح(ع) است که در آیه یاد شده به آن اشاره شده است.

آن حضرت پس از رفتن از این جهان، بار دیگر باز می‌گردد و با حضرت مهدی(ع) بیعت و در نماز به او اقتدا می‌کند. پس از آن همه اهل کتاب به او ایمان آورده و از او پیروی می‌کنند.

در باره بازگشت حضرت مسیح به زمین روایات زیادی نقل شده است که تنها به ذکر یکی از آنها می‌پردازیم:

«شهر بن حوشب» که از تابعین بوده می‌گوید: «حجاج بن یوسف ثقفی» به من گفت: آیه‌ای در قرآن است که مرا بیچاره کرده است.

پرسیدم: کدام آیه؟

گفت: «ان من اهل الكتاب الیومنن به قبل موته.»

به خدا قسم، من دستور کشتن یهودیها و نصرانیهای بسیاری را می‌دهم ولی هرگز لبشان حرکت نمی‌کند و ایمان نمی‌آورند.

بدو گفتم: چنین نیست که گمان کرده‌ای. بلکه معنای آن چنین است که عیسی پیش از قیام قیامت از آسمان فرود می‌آید و آنگاه

همه ملت‌های یهود و نصاری به او ایمان می‌آورند پیش از آنکه عیسی بمیرد و در نمازش هم به مهدی(ع) اقتدا می‌کند.

گفت: این تفسیر را از کجا آورده‌ای؟

گفتم: از امام | محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب(ع).

گفت: آن را از چشمه زلالی دریافت کرده‌ای